

نماز را با حسین^(ع) اصلاح کن



فصل دهمی
حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

در زیارت نامه امام حسین^(ع) خطاب به آن حضرت می‌گوییم: سلام بر تو ای اباعبدا!...! سلام بر تو ای فرزند رسول خدا! گواهی می‌دهم که تو نماز را به پاداشتی و زکات پرداختی و به خوبی امر کردی و از بدی نهی کردی». امام حسین^(ع) اقامه‌کننده نماز است نه فقط برگزارکننده آن؛ یعنی سفره نماز را با خون خود پهن کرده و بستر بندگی خدا را با جان خود گسترانیده است. در واقعه عاشورا که بسیار در بین ما شیعیان در عزا و غیر آن، بازگو و یادآوری شده است، مسئله نماز و توجه به آن نمود دارد. بعضی از اهل ذوق و اهل دل، سراسر این واقعه را اقامه نماز امام حسین^(ع) می‌بینند که او احرامش را در مکه بست و به خاطر خداوند و رسیدن به او به سمت کربلا آمد. او باتمام هستی‌اش در پیشگاه پروردگار حاضر بود. گاهی دستانش را به سوی آسمان بالا می‌برد و با خدایش صحبت می‌کرد، حتی درحالی‌که قنداقه خونین علی‌اصغر^(ع) را در دست داشت و گاهی خم می‌شد، اما رکوع اباعبدا!...^(ع) آن وقتی بود که تیری به سینه مقدسش وارد شد و اباعبدا!...^(ع) مجبور شد تیر را از پشت سر بیرون بیاورد و سجده‌ای در گودی قتلگاه به جا آورد درحالی‌که صورت بر آن خاک گرم داشت و زیر لب این ذکر را زمزمه می‌کرد: «رضا بقضاک و تسلیمای لامرک و لامعبود سواک یا غیاث المستغیثین» (مقتل الحسین، مرقم، ص ۷۵۲).

آیت... جوادی آملی در تفسیر زیارت اربعین می‌گوید: وقتی دید پند و موعظه اثر نمی‌کند، خون می‌خواهد، خون داد. این را وجود مبارک امام ششم فرمود. در اربعین ابی‌عبدا!...^(ع) به خدا عرض کنید، خدایا! حسین بن علی بَدَلْ مُهْجَتَهُ فَبِکَ لَیْسَتْنَقْذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالِوْ حَیْزَه الْفَلَاحِ یعنی خون جگرش را داد، خون گلو ی خود را داد، خون سر خود را داد، خون آن بچه شیر ی را داد تا مردم را متدین کند، مردم را عالم کند. حرف امروز ما هم همین است که امام حسین^(ع) خودشان فرمودند تا در تاریخ ثبت شود که من دوستدار نماز هستم و عبادت تنها کاری است که حاضرم برای آن از دشمن فرصت بگیرم. خود حضرت سیدالشهدا^(ع) روایت می‌کنند که: «روزی در مسجد در محضر امیرالمؤمنین^(ع) نشستیم بودیم که صدای مؤذن به اذان بلند شد و ندای... اکبر درداد. حضرت امیر با شنیدن صدای اذان گریه کردند و ما هم از گریه آن حضرت گریه کردیم. وقتی مؤذن از اذان فارغ شد، شروع کردند به تفسیر یکایک الفاظ اذان و اقامه تا رسیدند به قد قامت الصلوه و فرمودند: «معنای قد قامت الصلوه این است که وقت زیارت و مناجات و قضای حوائج و رسیدن به آرزو و مقصود و وصول به خداوند و کرامت و غفران و عفو و رضوان او نزدیک شده است.» (توحید صدوق، ص ۲۳۸ تا ۲۴۱). اصلاح نمازهای مال‌رتباط زیادی می‌تواند با امام حسین^(ع) داشته باشد از مهر نمازمان که از تربت اوست و آثار معنوی زیادی برای مادر او و دیگر یادگرن ایشان در مقدمه نماز که بزرگان گفته‌اند وقتی خواستی نماز بخوانی، قبلش کاری کن و این دستور بزرگان را انجام بده، یعنی قبل از شروع کردن نماز، سلامی به امام حسین^(ع) بده و غریب حضرتش را یاد کن. این دستور را فراموش نکن. قرآن کریم می‌فرماید: وَذَکَرِاسْمَ رَبِّهِ فَصَلِّ و اهل بیت^(ع) فرمودند: نَحْنُ اَسْمَاءُ...! الحُسنی. این از آن دستورهایی است که برنامه داشتن برای تکرار منظمش: نماز انسان را دگرگون می‌کند و این یعنی تا دستگیری اهل بیت و امام حسین^(ع) نباشد، در عبادت و عزیز شدن در درگاه خدا به جایی نمی‌رسیم.

خیمه‌الانتظار

اقامه عزای حسینی توسط هیئت‌ها و خانواده‌ها در بیشتر خیابان‌های مشهد پروونق است. اگر در حوالی خیابان مطهری هستید، می‌توانید هر روز ساعت ۱۵:۳۰ دهه اول محرم از جوانان خیمه‌الانتظار در مجتمع فرهنگی خیمه‌الانتظار به آدرس مطهری شمالی ۴۶ شرکت کنید. در این مراسم، کربلایی شیخ زاده به مداحی می‌پردازد و همچنین می‌توانید از محضر حجت‌الاسلام والمسلمین مهاجر و حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی شریف استفاده کنید.

محبان الزهرا^(س)

در مسجد امام هادی^(ع) واقع در بولوار وحدت و ابتدای خیابان امیرالمؤمنین^(ع) در دهه اول محرم از ساعت ۲۱:۳۰ هیئت محبان الزهرا^(س) پذیرای عاشقان و شیفتگان امام حسین^(ع) است. در این جلسه، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن قاسمی سخنرانی می‌کند و کربلایی‌رضا شیخی و حاج رضا گرمایی به مداحی می‌پردازند.

خدمتگزاران قمر بنی‌هاشم^(ع)

این روزها در گوشه‌وکنار شهر مراسم مذهبی بسیاری برگزار می‌شود و هر هیئتی هرساله مراسم مشخصی را تدارک می‌بیند. هیئت «خدمتگزاران قمر بنی‌هاشم^(ع)» نیز دهه اول محرم را در مشهد مقدس، مجلس عزا برگزار و به تکلیف دینی و شرعی خود عمل می‌کند. این هیئت با سخنرانی شیخ مجتبی‌اسکندری و مداحی حاج جواد غفاریان و کربلایی امیرحسین خیراندیش، هر شب ساعت ۲۲:۱۵ در حسینیه خود در خیابان شهید کلاهدوز ۲۴/۱ آماده پذیرایی از عزاداران حسینی است.

امانتداران عاشورا

هر فردی باتوجه به ابعاد شخصیتی خود و بار علمی و آگاهی خویش، از دریچه‌ای متفاوت به رویداد ها نگاه می‌کند. برای همین است که اتفاقات مختلف را از زبان و قلم افراد مختلف، بررسی و تحلیل می‌کنیم و به علم و آگاهی‌های جدید دست می‌یابیم. امروز می‌خواهیم از دریچه کلام و بیانات رهبر معظم انقلاب به واقعه کربلا و شخصیت سیدالشهدا^(ع) نگاه کنیم و خود را مهمان عمق اندیشه‌های ایشان کنیم. در کتاب «امانتداران عاشورا» نظرات رهبر معظم انقلاب درباره شخصیت امام حسین^(ع) ذیل سه مبحث با این عناوین گردآوری شده است: اهداف، درس‌ها و عبرت‌های عاشورا.

در این کتاب، شخصیت و حرکت و راه سیدالشهدا^(ع) و ابعاد حادثه عاشورا، چرایی وقوع این حادثه عظیم و عجیب و نقش خواص دنیا طلب و عوام بی بصیرت، بررسی شده است. چاپ دوازدهم این کتاب رادر ۱۸۰ صفحه مؤسسه فرهنگی «قدر ولایت» منتشر کرده است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «درس‌ها و پیام‌های عاشورا در هیئت‌های عزاداری و مراسم سوگواری سیدالشهدا^(ع) توسط گویندگان و مداحان، نسل به نسل انتقال می‌یافت و جوان راعلاقه مند به اهل بیت^(ع) و آگاه نسبت به ستم‌های زمان و مشتاق فداکاری و ایثارگری می‌ساخت. تأکید حضرت امام و مقام معظم رهبری بر ادامه عزاداری و سوگواری به شکل سنتی و به دور از برخی حرکاتی که وهن اسلام را دربی دارد، مانند قمه زنی، اهمیت این مراسم را می‌رساند. زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا و فداکاری مردان اندک کربلا، زنده نگه داشتن اسلام ناب محمدی^(ص) است. نهضت امام حسین^(ع) اسلام را زنده و بیمه کرد و زنده نگه داشتن عاشورا همین تأثیر را خواهد داشت.»

کتاب امانتداران عاشورا



حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری| روز سوم محرم الحرام در جلسات و هیئات اباعبدا!...! الحسین^(ع) مرسوم است که به سه ساله امام حسین^(ع)، باب الحوائج، حضرت رقیبه^(س)، متوسل می‌شوند و بزرگان ما معمولاً بسیار به این جگرگوشه امام حسین^(ع) متوسل می‌شدند. شاید در بین این همه جمعیتی که به عنوان اسطوره‌های کربلا به شهادت رسیدند، استعداد از این سه ساله دلایل بی شماری داشته باشد، یکی آنکه این سه ساله خیلی مورد توجه امام حسین^(ع) و سایر اهل بیت^(ع) در صحنه کربلا بوده است. نکته دوم آنکه از بدو تولد، طعم یتیمی را چشید و مادرش ام اسحاق هنگام ولادت او از دنیا رفت و به همین دلیل، همه بنی هاشم به او توجه و محبت بسیار می‌کردند و سوم هم رابطه عاطفی و پدرود ختری ایشان با سیدالشهدا^(ع) است، دختر غالباً شیرین زبان است و خود را زود در دل دیگران جا می‌کند، لذا در مقاتل و نقل‌ها، عاطفی‌ترین رفتار‌ها از این فرزند سیدالشهدا^(ع) در ماجرای کربلا بیان شده است که درخور توجه و بررسی است.

مدافعان حقوق کودک از رقیبه^(س) بگویند

وقتی صحبت از یک کودک آن هم دختری در سنین سه چهار سالگی می‌شود، یعنی محبت و عاطفه و احساس و تفقد و نوازش، خرید اسباب بازی، آرام کردن همراه با ملاطفت در حال گریه و ناآرامی و... آن‌ها که دنبال بیان حقوق کودک هستند، باید به این موضوع بپردازند که چقدر حقوق این دختر سه ساله در کربلا پایمال شد و تا چه حد مشمول ظلم قرار گرفت.

توسل و توجه در قالب روضه و بعد بر آن همه مصیبت، مرثیه خوانی و گریه کردن، محبت انسان به آن شخص را افزایش می‌دهد. دل نرم می‌شود و انسان از این اتفاقات و آسیب‌هایی که وارد شده است، عبرت‌هایی می‌گیرد، مثل اینکه چطور بایک کودک که پدر و مادر از دست داده و داغ دیده است، روبه رو شود. قرآن کریم در سوره مبارک اسرا، آیه ۳۴ درباره یتیم تأکید می‌کند: «هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید». یاد ر سوره مبارک ماعون از تند خوئی و بداخلاقی

عرض

آراءات

شاعران و مدیحه‌سرایان مسلمان در گوشه‌وکنار جهان به شوق و عشق سیدالشهدا^(ع) و یارانش دست به قلم گرفته‌اند و با تمام حس و جان خود درباره واقعه کربلا نوشته و سروده‌اند و به آستان ائمه اطهار^(ع) عرض ارادت کرده‌اند:

دل شکسته و مجروح و مبتلای حسین طواف کرد شبی گرد کربلای حسین طراز طره مشکین عنبرافشانش خضاب کرد به خون، خصم بی وفای حسین قدر چو واقعه کربلا مشاهده کرد ز چشم چشمه خون راند بر قضای حسین نشسته بر سر خاکستر آفتاب مقیم کبودپوش به سوگ از بی عزای حسین جمال روشن خورشید را غبار گرفت که در غبار نهبان شد مه‌لقای حسین به روز واقعه، ای ظالم خداناترس! ببیین که چه ها کرده‌ای به جای حسین! خدای قاضی و پیغمبر از تو ناخشنود چگونه می‌دهی انصاف ماجرای حسین؟ حسین، جان گرایی فدای امت کرد سزاست امت اگر جان کند، فدای حسین این حسام خوسفی



باب الحوائج سه ساله

ذکر مصیبت روز سوم محرم که به حضرت رقیه^(س) تعلق دارد

در برابر یتیم نهی کرده، می‌فرماید: «این همان فردی است که یتیم را به سختی می‌راند.»

غرب، مقابل حقوق کودک اسلامی زانو بزند

دنیا ی مدرن امروز که دنبال تصویب قوانین مربوط به حقوق کودک است، باید مقابل اسلام زانو ی ادب بزند، وقتی چهارده قرن پیش می‌گوید حق ندارد حتی به مال یتیم نزدیک شوید، البته شاید عده‌ای برداشت سطحی کنند و مال یتیم را بدون سرپرست رها کنند، درحالی‌که قرآن بعد از نهی و ائذار می‌فرماید: «مگر آنکه راه خبر و طریق بهتری (به نفع یتیم) منظور دارید تا آنکه به حد بلوغ و رشد خود برسد.» این یعنی اگر به مال یتیم نزدیک می‌شوید، به بهترین شکل باید.

یعنی هر نوع تصرف در اموال یتیم که به آن فزونی بدهد و آن مال را حفظ کند، مطلوب است تا زمانی که یتیم به آن حد از بلوغ فکری و اقتصادی برسد و بتواند اموال خود را حفظ کند. اینجا باید بدون چشمداشت، آن مال را برگرداند؛ این آیات و توصیه‌ها نشان می‌دهد که اسلام برای محبت و تکریم یتیم و حفظ اموال او توصیه بسیار دارد و خیانتکاران به مال یتیم را تهدید و سرپرستان را به مراقبت از اموال یتیم، توصیه می‌کند. آیاتی مثل آیه ۱۵۴ سوره مبارک انعام و آیه دوم از سوره نسا بر این موضوع تأکید می‌کنند. هنگام نزول این آیات، لحن شدید آن‌ها به قدری در قلوب مسلمان اثر کرد که حتی می‌ترسیدند غذای مشترکی برای خود و ایاتم طبخ کنند!

با ایاتم مهربان باشیم!

روز سوم محرم بهانه‌ای است که ما یتیمان را مشمول تفقد قرار دهیم و یاد بگیریم به ایاتم توجه، لطف و عنایت کنیم که این قطعا آثار دنیوی و اخروی دارد. از این نظر، این روز بسیار حزن انگیز (چرا که داغ آن سه ساله برای اهل بیت^(ع) و کاروان اسرا خیلی سنگین بود) برای ما عبرت‌هایی دارد، علاوه بر این، امروز هم مرقد آن دختر معصوم در دمشق، مکان عبرت است؛ زمانی

کسی جرئت نداشت در دمشق نامی از علی^(ع) و اولاد علی^(ع) ببرد، اما امروز آثار این دختر سه ساله و حضرت زینب^(س) خودنمایی و راهنمایی می‌کند و این نشان می‌دهد که چراغ حق همیشه روشنایی بخش و پرفروغ است و خاموش شدنی نیست و حتی اگر زمانی کوتاه در محاق و انزوا باشد، پروردگار عالم بالاخره حقیقت را آشکار می‌کند. خوش به حال آن‌ها که از این ایام است امیرالمؤمنین^(ع) ایاتم را روی دوش می‌گذاشتند و با آنان بازی می‌کردند تا خنده آن‌ها بلند شود. ابن عباس می‌گوید: وقتی پرسیدم شما امیر مؤمنان هستید، چرا چنین می‌کنید، حضرت فرمودند: «این‌ها فرزند شهید هستند و پدرانشان بر گردن ما حق دارند»، ممکن است در بین اطرافیان ما هم فرزند یتیمی باشد و خانواده آن‌ها به دلجویی و محبت نیاز داشته باشند.

یتیم نوازی به سبک امام حسین^(ع)

توجه به ایاتم در سیره حسینی هم بسیار پررنگ بود. در جلد پنجم از بحار الانوار از امام حسین^(ع) نقل است که فرمودند: «هرکه یتیمی از ما را به سبب در خفا و استتار بودن (زمانی زندگی برای سادات و فرزندان اهل بیت^(ع) سخت بود) مشمول لطف قرار دهد و از علوم ما که نصیب او شده است، به آن‌ها بدهد (معارف اهل بیت^(ع))، خدا می‌فرماید ای بنده غمخوارم! من به‌کرم از تو سزاوارترم. ای فرشتگان! به تعداد هر حرفی که به آن یتیم آموخته است، هزارهزار قصر در بهشت برایش بسازید و بر نعمت‌های آن قصر‌ها بیفزایید.»

این سخنان، جایگاه توجه به یتیم و تفقد و محبت به او را نشان می‌دهد. امید است ما هم به عنوان شیعیان حضرت اباعبدا!...^(ع) عامل به این توصیه‌ها باشیم. ان شاء... خدا ما را هم جزو علاقه‌مندان و محبان اباعبدا!...^(ع) و فرزندان نشان قرار دهد و فرج امام عصر^(ع) را نزدیک کند و به ما توفیق رعایت حقوق یتیم را به معنای کامل عطا کند.

روضه‌های تنهایی

از دستش داده‌ایم. خیلی وقت است از زندگی هایمان بیرون رفته است. حقیقتش خیلی از ماجراهای آن روزها مثل توپ طلایی بود که ته قلب آدم است از بودنش ذوق می‌کند.

هنوز هم وقتی به یاد آن روزهای می‌افتم، دلم از شوق می‌لرزد. یاد اتاق‌های کوچک تودرتو که پشت پنجره‌هایش را پرده ضخیم سفیدی پوشانده بود. اسرارآمیزی برخی خانه‌ها بیشتر بود با حصیرهای آویخته بر پشت در و پنجره‌ها و سایه دلچسب و خنکی که جان می‌داد برای خوابیدن. کدبانویی و ذوق و سلیقه صاحب خانه، از پتو‌ها و ملحفه‌های سفید و اتو کشیده و استکان‌های یک‌دست با رنگ‌چای هوس انگیز، پیدا بود و خیلی‌ها مثل من با مادرهایشان روضه می‌آمدند. دخترم حتی بیشتر از سرخی و رنگ موها، دست‌کنده شده عروسکش به چشم می‌آمد و کلی با همان عروسک یک‌دست که موهم نداشت، سرگرم بود. دخترک مثل من پای ثابت این مراسم بود و برخی‌ها بیشتر خودشان را ترحیل می‌گرفتند و بی خیال چشم غره‌های صاحب خانه، سید اسباب بازی‌شان همراهشان بود تا خودشان را یک جور سرگرم کنند، غالباً تا آمدن منبری که ما آقا صدايش می‌کردیم. سینی چای یک دور می‌گشت و خانم‌های همسایه، فرصتی برای

چاق سلامتی داشتند و کلی حرف از اطرافیان و اتفاق‌های روزمره به میان می‌آمد.

آمدن آقا یا همان به قول خودمان منبری، حرمت داشت و خانم‌ها به احترامش سکوت می‌کردند و حرفی نمی‌زدند و مراسم از آن لحظه حالت رسمی به خود می‌گرفت و روضه شروع می‌شد. همیشه برایم جای سؤال بود منبری از چه موضوعی تعریف می‌کند که صدای گریه خانم‌های شرکت‌کننده در روضه اوج می‌گیرد. برخی‌ها هم محکم و با قدرت تمام، به پایایشان می‌کوبیدند و دلم می‌خواست من هم مثل آن‌ها می‌توانستم بلند بلند گریه کنم، و بعد هم بگویم روی پایهایم، اما حقیقتش بچه‌تر از این حرف‌ها بودم و حواسم بیشتر به آلاسکایی بود که مادرم قول خریدش را از بنقال سر کوچه مان داده بود. خدا پیامز بابای مرتضی، مرد تنومند و چهارشانه‌ای بود که بقالی محله را می‌چرخاند و بزرگ و کوچک بچه‌ها عاشق قالب بخی بودیم که آن رامیان دست‌های پت و پهن و بزرگش می‌چرخاند و دل ما بیشتر آب می‌رفت. هرکدام طالب یک طعم آن بودیم، آلاسکای شیر ی یا نوشابه‌ای و ... طعم آلاسکاهای بابای مرتضی هنوز زیر زبانتان شیرین است. آن روزها خیلی زود تمام شد و حالا همه رفته‌اند سر خانه و زندگی‌شان و پدر و مادر شده‌اند، البته من کم معاشرت تر شده‌ام و تنهایی را خیلی بیشتر دوست دارم. محرم که شروع می‌شود، توی شلوغی محل کار هم بیشتر دوست دارم تنها باشم و یک روضه بگذارم و بایک استکان چای و هی گریه کنم. این روضه‌های تنهایی، بیشتر از هر چیزی به دل‌م می‌چسبد. گاهی به اندازه‌ای که سرم را بگذارم روی میز و آرام زمزمه کنم: «السلام علیک یا اباعبدا!... السلام علیک یا بن رسول الله!...».

دخترها بعد از خرابه‌شام، بابایی شدند!

آورد، به‌گمانم از همان خرابه بود که عشق دخترها به پدر ضرب‌المثل و مشهور شد که «دخترها بابایی‌اند»، از همان خرابه، صدای دختری سه ساله، بزرگ‌ترین منبر و بلندگوی عاشورا شد و هنوز هم صدای بابا بابا گفتن‌هایش به گوش آزادگان می‌رسد و چه دل‌ها که به عشق رقیبه‌جان به خیمه‌گاه حسینی مشرف شده‌اند. این نازدانه همان قدر که برای پدر و عمه‌جان عزیز بود، در روضه‌ها و عزاداری‌های محرمی ما نیز شأن و مقامی خاص دارد و برای شب سوم محرم، سنگ تمام می‌گذاریم؛ از نذر اسباب‌بازی و عروسک گرفته تا توزیع خوراکی‌های محبوب بچه‌ها به نیت آن نازدانه. روضه‌های این سه ساله هم سوز خاص خود را دارد و سردترین قلب‌ها را هم به درد می‌آورد؛ دخترکی سه ساله و نازدانه که یک شبیه مثل مادرش حضرت زهرا^(س) قدکمانی شد، خنده روی لبانش بیخ زد و جایش را گریه‌های بی‌امان گرفت و آخر هم زیر بار غم نبود پدر تاب نیاورد و همان شد که می‌دانیم... برای همین هم، دم‌ها و سینه‌زن‌های شب سوم محرم

به نام و یاد اوست، سینه‌زنان و گریه‌کنان از زبان پدر و دختر دم می‌گیرند و برایش می‌خوانند:

گل پرپر زهرا!
شده این ویرانه گلشن
چشم ما بر رویت روشن
ایتا حسین مظلوم...
بابا پس بیکرت کو
دخترت شد مضطرب تو
علی اکبرت کو؟
شده غرق خون سر تو
ایتا حسین مظلوم...
رخسار من شد نیلی
قاتمگشته خمیده
خودرم از دشمن سیلی
شدم از عشقت شهیده
ایتا حسین مظلوم...

